

چالش های امپریالیزم

و

جنگ مخفی

مطابق اظهارات دولت امریکا، چنین میپنداریم که امپریالیزم امریکا یک ابرقدرت انساندوست و صلح خواه است و به اصطلاح میخواهد صلح و دموکراسی را در کشورهای فقیر صادر نماید و یا میخواهد بشریت را از شر تروریسم و بدبختی های که دامنگیر، جوامع عقب مانده است، نجات بدهد!!

اما سوالی طرح میگردد: آیا دموکراسی با زور توپ و تفنگ و قتل هزاران هزار انسان بیگناه، غارت منابع طبیعی و تاریخی کشورها، صادر میگردد؟؟

در ماه دسامبر سال ۲۰۰۶ رسانه های خبری کشور دنمارک مطالبی را تحت نام (جنگ مخفی) در رابطه به برخورد عساکر دنمارکی با اسرای افغانی در کشور ما افغانستان و بعداً تسلیمی آنها به قوت های امریکایی، را در یک فلم مستند تحت نام «این جنگ مخفی» از طریق کانال های رادیو تلویزیون کشور دنمارک بصورت بسیار کوتاه بدست نشر سپردند. این فلم مستند گروهی از مردان افغانرا به نمایش میگذاشت که با آنها زیر نام مظنونین به عضویت در سازمان دهشت افگن القاعده بدرفتاری شده است. سر و روی آنها به گونه تحقیرآمیز تراشیده شده و در جریان اقامت در اردوگاه نظامی لت و کوب شده بودند. در این فیلم برخورد عساکر دنمارکی با اسیران افغانی را که با استهزاء و تمسخر توأم بوده که از طرف نیروهای مترقی کشور دنمارک شدیداً تقبیح گردید. چون مردم دنمارک به هیچوجه از چنین اعمال عساکر خویش اطلاعی نداشته و ندارند و به آن توافق هم نخواهند کرد.

جای تعجب نیست، که افکار عمومی افغان ها به تدریج از حکومت ضعیف کابل، که بوسیله نیروهای خارجی در پایتخت محافظت میگردد، منحرف میشود. نبود صلح و امنیت، بیکاری

، کمبود مواد غذایی ، چوروچپاول ، فقرو... دلایل کافی برای این نکته است ، که مردم امید خود را برای حامد کرزی و حامیان امریکایی وی (کسی را که اکثراً از روی شوخی «شاروال کابل» یا «دستیار سفیر امریکا» می نامند) قطع نموده اند.

ولی حکومت حامد کرزی ، که اصولاً طبق سناریوی امریکای کار میکند و هیچگونه مطابقتی با منافع ملی کشور ما ندارد، تا کنون برای هموطنان ما که در سیه روزی، فقر و بد بختی زنده گی میکنند هیچ دستاوردی ندارد و نخواهد داشت.

از اجلاس بُن پنج سال میگذرد ، افغانستان چه وضعی دارد؟ آیا مردم به امیدهای شان مبنی بر تعمیر و گسترش یک حاکمیت قانونمند در سراسر افغانستان رسیده اند؟؟؟ بطور مثال یکی از اهالی سمت شمال کشور طی مصاحبهٔ چنین بیان نمود: «آنچه به نام دولت در بدخشان وجود دارد ، چند ادارهٔ دولتی که پرچمی بر فراز آنها در احتزاز است . اما دولت به معنای حاکمیت و تسلط که بتواند جلو زورگویان را بگیرد وجود ندارد! به نظر من دولت آقای کرزی به یک اسکلت بدون روح می ماند».

حضور نماینده گان چهار گروه جهادی میانه رو و افراطی در کنفرانس خود ساخته بُن ، مردم بلا کشیدهٔ افغانستان را به پایان جنگ، ختم برادر گُشی ، صلح و تأمین امنیت امیدوار ساخته بود چون حضور نیروهای بیش از ۳۰ کشور جهان از جمله سردمدار امپریالیزم (امریکا) در افغانستان جابجا اند. که توانستند در ظرف کمتر از دوماه دولت طالبان را سقوط دهند و این امیدواری را در قلب مردم افغانستان زنده سازند که: بی نظمی ها ، زورگویی ها، هرج و مرج و ... از بین خواهد رفت اما دریغا ! نه تنها از بین نرفت بلکه به پیمانۀ وسیع و سعت یافت چون حاکمان خود جنگ افروزان بودند و هستند.

در سال ۲۰۰۴ در انتخابات ریاست جمهوری، هموطنان ما برای حامد کرزی (به عنوان وسیله یی برای بیرون رفت از تسلط جهادی - طالبی) رای دادند فراموش نموده بودند که خود حامد کرزی یکی از این مهره ها بود. همچنان در هنگام انتخابات پارلمانی مردم متوجه شدند و نشان دادند که چگونه از مهره ها و قیافه های کهنه یعنی همان قوماندان های محلی و تندروهای اسلامی ، جنگسالاران و همان وعده های میان تهی خسته و بیزار شده اند.

سازمان های امپریالیستی (انجو ها) که تحت نام باز سازی در افغانستان مصروف به تحقق رسانیدن اهداف خویش هستند، اصلاً درمورد بازسازی و کمک به اهالی منطقه هیچگونه تلاشی ننموده اند و قوت های خارجی به جای اینکه روند صلح را تسریع کنند ، به عملیات های گسترده نظامی پرداخته اند که باعث کشتن و زندانی شدن افراد بیگناه گردیده است. همین امر باعث سلب اعتماد و بیگانگی مردم از دولت و جامعه جهانی گردیده است.

در سال ۲۰۰۶ اضافه از یکصد حمله انتحاری و یا انفجار در شهر قندهار بوقوع پیوست! که باعث کشته شدن صدها تن از کودکان ، زنان و مردان بیگناه گردیده که این خود نشانه یی واضح از نا امنی گسترده در افغانستان است.

تظاهرات مردم کابل در رابطه با حادثه ترافیکی مؤرخ دوشنبه ۲۹-۵-۲۰۰۶ بیانگرددفاع مردم رنجدیده و بلا کشیده میهن ما به خاطر حقوق حقه شان ، در برابر زورگویان ، ستمگران، نیروهای استعمارگر و استثمارگر بود. در این زمینه پوزش خواهی کرسی از طریق تلویزیون نتوانست پاسخگوی اعتراضات دامنه دار و وسیع مردم افغانستان باشد.

«مایک کلارک» استاد دانشگاه لندن طی مقاله در نشریه نیویارک تایمز یادآور شده است که: افغانستان به یکی از چالشهای اصلی د رمقابل سازمان ناتو مبدل گردیده است ، او اضافه مینماید که : «موضوع اصلی برای ماموریت ناتو در افغانستان این است که وضعیت امنیتی کشور را بهبود بخشند ، اما برخلاف وضعیت افغانستان به مراتب وخیم تر شده است».

در اواخر سال ۲۰۰۶ واحدهایی نظامی متشکل از حدود ۴۵۰۰ نفر از قوت های نظامی بریتانیا در ولایت هلمند، جنوب افغانستان، مستقر شده بود و ماموریت استقرار امنیت و پاکسازی منطقه از وجود شورشیان مخالف دولت را برعهده داشت ، بنا بر گزارشات رادیو بی بی سی در ماه نوامبر سال ۲۰۰۶ : نیروهای بریتانیایی در نبردهای سنگین با شورشیان در ولایت هلمند مواجه اند، تا ختم سال ۲۰۰۶ به تعداد ۳۸ تن از نظامیان بریتانیایی در نبرد مذکور جان خود را از دست داده اند.

تونی بلر صدراعظم انگلستان طی مصاحبه گفت که: نیروهای بریتانیایی تا زمانی که گروه های تندرو مسلح شکست نخورده باشند در افغانستان باقی می مانند، وی در صحبت خویش با رهبران ناتو یادآور شد که : برای امنیت جهانی، هیچ کشمکشی مهمتر از افغانستان وجود ندارد و اعتبار ناتو در گرو موفقیت ما در افغانستان است. موصوف در سفر خویش در اواخر ماه نوامبر ۲۰۰۶ در هلمند به سربازان انگلیسی چنین اظهار کرد:

شما بخاطر دفاع از مردم انگلستان در مقابل تروریسم به اینجا آمده اید نه بخاطر دفاع از مردم افغانستان!!

در نشرات رسمی کشورهای غربی آمده است که: در سال ۲۰۰۶ بیش از ۴۰۰۰ نفر افغان که اکثریت آنها غیرنظامیان بوده و اضافه از هزار سرباز نظامی نیروهای بین المللی مصروف کمک به استقرار امنیت (نیروهای قتل و کشتار) ، در افغانستان کشته شده اند. این است پیام صلح نیروهای متهاجم غربی در کشور عزیز ما افغانستان!!

در رابطه به عراق:

علیرغم ادعا های بزرگترین قدرت های نظامی جهان، عراق تحت رهبری صدام حسین خطری جدی برای غرب ایجاد نکرده بود. نیروی نظامی عراق که قبل از سال ۱۹۹۸ پنجمین قوت نظامی دنیا محسوب می شد، در اثر سالهای جنگ ۱۹۹۱ ، توانایی های گذشته را نداشته و در جنگ خلیج، دوسوم نیروهای خود را از دست دادند.

تقریبا کلیه ابزار جنگی عراق متعلق به دوران قبل از جنگ خلیج است که این خود مورد تایید روزنامه نیویورک تایمز به تاریخ ۲۶-۸-۲۰۰۲ می باشد.

بطور یقین خطرناک جلوه دادن عراق توسط دولت بوش توجیهی است برای مداخله نظامی و دروغی است تبلیغاتی. در واقعیت هدف امریکا از براه انداختن این جنگ چیست ؟

در حال حاضر میزان تولید نفت در عراق توسط امریکائیه‌ها دیکته می‌شود. از لحاظ سیاسی کنترل صادرات عراق توسط سازمان ملل صورت می‌گیرد و از لحاظ نظامی توسط جنگنده‌های امریکایی که تاسیسات نفتی عراق را زیر کنترل کامل خود قرار داده‌اند، از لحاظ اقتصادی این وظایف به شرکتهای بزرگ نفتی امریکائی محول گردیده است. علاوه بر تمام این دلایل در حال حاضر عرضه نفت در مقیاس جهانی بیش از تقاضا می‌باشد. اما از لحاظ اقتصادی تأثیراتی مثبتی در اقتصادی امریکا رونما نگردیده است! چون صرف تعدادی محدودی از سردمداران امپریالیستی و محافظین دولت بوش از آن منافع اقتصادی می‌گیرند کمپنی‌های (دلتا آیل و یونیک آیل).

دیوید کی **David Kay** بازرس ارشد تسلیحات عراق پس از کناره‌گیری از این سمت، در ۲۵ جنوری ۲۰۰۴ در رادیو عمومی امریکا اعلام داشت که دولت صدام حسین پیش از حمله نظامی امریکا به عراق در مارچ ۲۰۰۳، فاقد هرگونه سلاح کشتار جمعی بود و ما این را می‌دانستیم. وی گفت که: سازمانهای اطلاعاتی باید بگویند که چرا گزارش کرده بودند که عراق دارای اسلحه کشتار جمعی است و به استناد گزارش آنان، جورج بوش به کنگره و ملت امریکا بگوید که به دلیل وجود چنین سلاحهایی حمله نظامی به عراق لازم است. " کی " گفت که ما هرچه جستجو کردیم، چیزی از این مواد مخرب را در عراق ندیدیم. همچنان دیوید کی در جلسه ۲۸ جنوری کمیسیون سنای امریکا شهادت داد که وی ضمن بارزسی‌های خود در عراق نتوانست اسلحه کشتار جمعی به دست آورد که یکی از دلایل حمله نظامی امریکا به عراق بود.

متعاقب این جلسه که جزئیات آن از شبکه‌های تلویزیونی پخش شد تصمیم گرفته شد که تحقیق شود که چرا سازمانهای اطلاعاتی امریکا تایید کرده بودند که عراق دارای سلاحهای کشتار جمعی است که بر پایه آن پرزیدنت بوش در نطق سالانه خود و خطاب به جلسه مشترک مجلسین امریکا (۲۰ جنوری ۲۰۰۳) را تنظیم و ایراد کند که توجیهی برای حمله به عراق بوده است.

بتاریخ ۹ جنوری سال ۲۰۰۷ در کانال تلویزیونی **DR1** تلویزیون کشور دنمارک به نشر رسید که: نظر به گزارش اخبار انگلیسی **Independent** با نشریک تعداد اسناد مبنی

براینکه : دولت عراق بزودی قانونی را مورد تأیید و اجرا قرار خواهد که به اساس آن چهار شرکت تجارتي نفت کشور های غربی صلاحیت استخراج و صدور نفت را از کشور عراق خواهند داشت.

شرکت های مذکور مربوط مقام های دولتی امریکایی هستند. موضوع متذکره شدیداً در نشرات عراقی تقبیح و دولت موجوده عراق تحت فشار قرار گرفته است بدین معنی که کشورهای امریکا و انگلستان دایماً اظهار مینمودند که آنها بخاطر منابع نفتی بالای خاک عراق حمله نکرده اند بلکه بخاطر مبارزه علیه تروریسم حمله نمودند.

در کتاب تازه ای بنام («حالت جنگ» : عملیات محرمانه سیا در زمان جورج بوش) که در امریکا انتشار یافته مواردی از این عملیات محرمانه شرح داده شده است : «سیا» در دو سال اول حکومت جورج بوش (پسر) ۳۰ عراقی مقیم امریکا را به آنکشور فرستاد تا اسنادی دایر بر ادامه فعالیت های اتمی عراق را بدست آورند. یکی از این سی نفر، خانم داکتر الحداد بود که يك داکتر متخصص بیهوشی در بیمارستانهای شهر کلیولند (ایالت اهایو) است. وی به عراق رفت و تلاش کرد تا از برادرش که در برنامه های اتمی عراق فعال بود اطلاعات به دست آورد. برادرش گفته بود: بیش از ده سال است که این فعالیتها متوقف شده است. دکتر الحداد موضوع را به «سازمان جهنمی سیا» گزارش داد. باوجود این گزارش های منفی، سازمان اطلاعاتی سیا به کاخ سفید بهانه لازم را داد تا آن را در کنگره و مقر سازمان ملل مطرح سازد و دستاویز برای حمله به عراق قرار دهد که اینک امریکا در آنجا در باتلاق خونین فرو رفته است و ...

یک ژورنالیست فرانسوی طی گزارشی به اظهارات رابرت گیتس، وزیر دفاع جدید امریکا در برابر نمایندگان سنای امریکا مینویسد : وی اعتراف کرد که امریکا در عراق به پیروزی دست نخواهد یافت.

حال از هر سو بر دولت امریکا فشار وارد می شود تا این کشور مناسبات سرد خود با ایران و سوریه را بسوی يك گفتگو و همکاری دگرگون سازد. کمیسیون بررسی معضل عراق به سرپرستی جیمز بیکر، وزیر خارجه اسبق امریکا، در گزارش خود به دولت امریکا گوشزد

می‌کند که: ”يك ملت باید قادر باشد برای حل مناقشات با دشمنانش وارد مذاکره گردد.“
از این رو دولت امریکا باید با ایران و سوریه به گفتگو بنشیند. این نوشداروی تلخی است
که برای جرج دبلیو بوش تجویز شده است.

طرفداران این تغییر سیاست خود اذعان می‌کنند که انتظار زیادی از کاخ سفید دارند، «لی
هامیلتون»، رئیس این کمیسیون از حزب دمکرات در دسامبر سال ۲۰۰۶ در شبکه CNN
گفت که «هیچ کشوری طی دهه های گذشته به اندازه ایران برای امریکا دردسرساز نبوده
است، ولی از آنجا که ایرانی‌ها نفوذ زیادی در عراق دارند، باید با آنها وارد مذاکره شویم».

جیمز بیکر نیز با پیشنهاد مشابه می‌گوید: «ایران با خشنودی تمام ناظر این است که ما
چگونه زیر این شلاق بسر می‌بریم. ولی برای امریکا راهی جز يك ابتکار دیپلماتیک نیست،
در غیر اینصورت باید خطر شکست در این جنگ را بپذیریم».

گزارش کمیته موسوم به گروه مطالعه عراق در ماه اکتوبرسال گذشته به دولت بوش
پیشنهاد کرد که: نیروهای امریکایی از عراق خارج شوند. همچنان رئیس این کمیته که از
دموکرات های امریکا است، اعلام کرد که توان امریکا برای حل بحران عراق رو به کاهش
است. ولی همیلتون در کنفرانس خبری گزارش گروه مطالعه عراق با تأکید براینکه هیچ
تضمینی برای کاهش ناآرامیهای عراق وجود ندارد، گفت: هزینه های امریکا در عراق به
بیش از هزار میلیارد دالر خواهد رسید. وی تصریح کرد: اوضاع در عراق بسیار دشوار و
وخیم است، خشونت در حال گسترش است و حملات به نیروهای امریکایی و تلفات
نیروهای امریکایی به صورت نگران کننده ای ادامه دارد و مردم عراق در شرایط بسیار
دشوار قرار دارند. این مقام امریکایی افزود: امریکا صرف در بخش نظامی بیش از ۲۹۰۰
کشته خود و ۲۱ هزار نفر داده است، امریکا در حدود ۲۰۰ میلیون دالر برای عراق بودجه
تعیین کرده و این مقدار ممکن است به یک تریلیون دالربرسد و سبب نارضایتی اکثریت
امریکایی ها شده است و با توجه به اینکه هم اکنون به دشواری برخوردیم باید راه
دیگری را انتخاب کنیم. رئیس دموکرات گروه امریکایی موسوم به مطالعه «عراق» همچنین
به بوش یاد آور شده است: سه پیشنهاد بسیار مهم ما، همه به یک اندازه مهم هستند و

یکی دیگری را تضمین می نماید ، اول تغییر در ماموریت اولیه نیروهای امریکایی در عراق و خروج نیروهای امریکایی از عراق ، دوم اقدامات اساسی دولت عراق برای رسیدن به اهداف اولیه بویژه آشتی ملی و سوم تلاش های دیپلماتیک و سیاسی جدید و جدی در عراق و منطقه.

جیمز بیکر یکی از دو رئیس این گروه نیز با وخیم خواندن اوضاع عراق گفت: ادامه روش فعلی دولت بوش دیگر قابل اتکاء نیست و راهی به جز تغییر سیاستها در عراق باقی نمانده است. وی با بیان اینکه هیچ فورمول جادویی برای حل مشکل عراق وجود ندارد و امریکا باید تغییر سیاست دهد تصریح کرد: امریکا باید گروه بین المللی برای حل مشکلات عراق را ایجاد کند! این گروه باید ابتدا شامل عراق و همه همسایگان عراق از جمله ایران و سوریه باشد .

به گزارش بی بی سی بوش اعتراف کرد که گزارش گروه تحقیق عراق ارزیابی جدی بی درباره اوضاع عراق است. به گزارش خبرگزاری فارس گروه مطالعه عراق در گزارش خود از دولتمردان امریکایی خواست برای حل بحران امنیتی عراق مستقیماً با ایران و سوریه وارد مذاکره شوند .

علت اینکه خاورمیانه دهها سال است به منطقه درگیریهایی نظامی مبدل شده، تنها به خاطر وجود منابع نفتی اش نیست. توجه قدرتهای بزرگ به این منطقه همیشه استراتژیک بوده است. توجه قدرتهای بزرگ به این منطقه، با کشف اولین منابع نفتی و زیر زمینی جلب شد و رقابتهای میان روسیه، انگلستان و آلمان و امریکا بر سر غارت منابع زیرزمینی کشورهایی از قبیل ایران، افغانستان و عراق شکل گرفت.

امروز فقط نیروهای درمانده و ضعیف نیستند که مجبورند به خاطر حفظ قدرت، متوسل به خشونت شوند بلکه ابرقدرتهای جهان نیز مجبور شده اند تا به خاطر حفظ موقعیت خود، به قدرت نظامی اقدام کنند. امریکا برای تضعیف رقبای خود اقدام به حرکت شطرنج وار نموده و به این ترتیب میخواهد که در جبهه متحد اروپا شکافی ایجاد و آنها را متلاشی سازد. در این راستا انگلستان در یک جبهه و آلمان و فرانسه در جبهه دیگر به بازی گرفته شده

اند. انگلستان در یک طرف این جبهه متحد اصلی ایالات متحده محسوب می‌گردد. فرانسه مخالف دخالت نظامی جدیدی در خاک عراق است و آلمان نیز از یکسال قبل تغییر چهره داده و ظاهراً با امریکا مخالفت می‌کند. امریکا میل دارد شکاف ایجاد شده بین قدرتهای اروپایی را گسترش دهد.

آیا ریسک جنگ علیه عراق بزرگتر از ریسک جنگ علیه افغانستان نیست؟

به گزارش مؤرخ ۱۹ دسامبر سال ۲۰۰۶ بی بی سی

در گزارش پنتاگون آمده است که حملات علیه نیروهای ائتلاف تحت فرمان امریکا و سربازان دولتی عراق و همچنین حملات به غیرنظامیان، در خلال ماههای اکتوبر تا نوامبر سال جاری، در مقایسه با سه ماه پیش از آن، ۲۲ درصد افزایش یافته است.

این گزارش در حالی منتشر می‌شود که رابرت گیتس وزیر دفاع جدید امریکا، اخطار داده است که ناکامی در عراق "فاجعه ای" خواهد بود که شبیح آن امریکا را تا سال ها دنبال خواهد کرد.

گیتس که در ماه دسامبر سال ۲۰۰۶ به عنوان جانشین دونالد رامسفلد وزیر دفاع اسبق امریکا سوگند یاد کرد، گفت عراق اولویت اصلی برنامه کاری او در پنتاگون خواهد بود و تأکید کرد که قصد دارد به زودی به عراق سفر کند تا از نقطه نظرات فرماندهان امریکایی در مورد چگونگی راه های بهبود اوضاع آگاه شود.

اما در عراق میبینیم که هر روز بین ۵۰ تا ۱۰۰ نفر اتباع بیگناه عراقی کشته میشوند و اگر محاسبه گردد که در طی این ۴ سال حاکمیت امریکا در عراق چه دست آوردی با صدور دموکراسی از طرف امریکا و هم پیمانانش برای جامعه بدبخت عراق دارند؟ بجز از ویرانی و کشت و کشتار دیگر چیزی به ارمغان نیاوردند!

همه میدانند که صدام دیکتاتور سنگدل و بیرحم بود که مخالفین خود و سیاستهایش را در کمال قساوت به چوبه دار و شکنجه و زندان می سپرد. بر علاوه اینکه جانبان از نوع صدام

هنوز در بسیاری از کشورهای جهان از جمله افغانستان، ایران، امریکا، اسراییل، سوریه، سودان، انگلستان، عربستان و غیره بر مسند قدرت تکیه کرده اند و بنحوی دست در کشتار مردم کشورهای خود و یا باشندگان کشورهای دیگر دارند ولی به بدشانسی صدام دچار نشده اند. که بخاطر قتل ۱۴۸ نفر به اعدام محکوم گردند.

این چه نوع محاکمه ایست که از صدها فقره جرم و جنایت فقط به یکی دو تا و آنهم به موارد محدود تر از دیگر جرایم پرداخته میشود؟ سپس با عجله حکم اعدام صادر شده و تقریباً یکماه بعد طی محکمه فرمایشی دیگری همان حکم را تأیید و چند روز بعد از آن با عجله حکم اعدام اجراء میگردد. این است همه آن عدالتخواهی دموکراتیک امریکایی!!

آیا هدف فقط اعدام بود؟ خوب اینکار را می شد همان روز اول سربازان امریکائی در کنار به اصطلاح مخفیگاه صدام انجام دهند. دیگر این بازی (موش و پشک) تحت نام محاکمه، به جز از توهین به خود مردم عراق و جهانیان چیزی دیگری نیست!!

منابع استفاده شده:

- نشرات خبری دنمارک

- سایت بی بی سی لندن

- ایران هستوری

- سایت خبری افغانستان

- لوموند دیپلماتیک

- راه توده